

آنان نمود جمال مبارک پنجاه سال پیش که ابد این نقشه با نبود حکم فرمود که باید از ار و پاپیر  
 روند لابد است چنین شود ولی ما الحمد لله به یکسخت و جدال نداریم از هر زاعی بزرگیم  
 و از مدخله در اینگونه امور ممنوعیم و ما مور صلح و آشتی باید جان داد نه جان گرفت  
 آخر شب سان عنایت در باره دوستان شرق گشودند و تلگرافی بحباب آقا محمد تقی صفهانی  
 بمصر فرمودند مضمون تلگراف مبارک اینکه دو اسباب راحت بوفضائل را هتیا نماید  
 او عبارت از نفس نیت و ولوجی باز بافتخار ایشان در خصوص معالجه و حصول صحت حضرت  
 ابی الفضائل روحی رسد افسد صادر همچنین سان عنایت در باره حضرت جبه قبل  
 علی ناطق کزرمی فرمودند حال قدر این نفوس مبارک معلوم نیست در آن روز و شب  
 با حضرت امین الهی مزاج می فرمودند که مقتصد لیره آورده ولی متجاوز از هزار لیره برای این  
 و آن گرفته و افعال انسان متغیر میشد از حسن اداره امور ظاهره با این مصارف عانت فقراء  
 حمایت ضعیفان و استاری مرضی علاوه از مصارفات اخیری که جمیع محض ترویج امر الله و جهای  
 حکام الله بود اما خود کل اقدس حتی قبای زستانی نداشتند و بیج اتفاتی با امور لازم  
 شخصی نمی فرمودند بالتاس اجازة و وقتن یکت قبا گرفتند زیرا قبای مبارک مندرس و  
 پاره شده بود

روز ۱۹ صفر (۲۷ ژانویه) صبح پس از

تلاوت مناجات و شرفیابی بعضی از جناب چون بجمع عمومی در بیرونی تشریف فرماتند  
 نطق مبارک در خصوص کواکب و افلاک بود و شرح مسائل فلکیه و اسلم سائیه و بعد از  
 مجلس سائیه بندی بودند یک یک و در باز جای تشریف نمود از بیان مسائل سائیه

اشتیاق و انجذابی تازه حاصل می نمودند عصر آن روز جناب وزیر مختار ایران عبد القصد خان  
 و جمعی از محترمین شرق و غرب در محضر آنوز مشرف بودند و بیانات مبارکه از تواریخ زمان  
 اسلام خیلی مفصل بود از انجمله حکایت حجاج ظالم و سوختن خیمه وزیر برای نظم آوردن بود که بعد از  
 بی نظمی چون او را بریاست آورد و نامزد نمودند اول این حکم را کرد که باید جمیع خیمه ها و قهقهه پریا  
 و کیمه پاشین آید چون هنگام پاشین آوردن چادرها خیمه وزیر را برپا دید فوراً حکم بجزق آن  
 نمود و این قضیه سبب تمسیه دیگران و انتظام امور او شد و اگر استثنائی در میان میبود  
 و در قانون امتیازی برای امیر نسبت بفقرا امور او در مختل میشد و خللال مانع انتظام تمام  
 می گشت پس شرمی از وزراء سابق ایران و ممالک اُخری منسوخ نمودند از جمله از شب  
 نشینی وزراء فتح علی شاه حکایت می نمودند که چون شب از قبیل و قال و آشوب و صدا  
 آسوده بودند و فراغت بال داشتند هر شبی در مجلسی مجتمع می شدند و بزم انس و لغتی  
 میآراستند و مجلس را از غیر خود حتی ملازمان خدمت خلوت میداشتند و با جمعیت خاطر  
 و سرور موفور و اتحاد دیگانی بذاکره و مشورت در امور مهمه می پرداختند در بهرامی  
 یکشب یاز یا در بحث و گفتگویی کردند چون بجائی منتهی میشد و نزد جمیع آنها مسلم میگردد یادداشت  
 می نمودند دیگر نه فکر و دانش داشتند نه واسطه و ارتدادی قبول می کردند هر شب تا سحر  
 مشغول مشاوری و مذاکره بودند و نزدیک صبح شام خورده متفرق می شدند و فردا صبح  
 یادداشتها را بوقوع اجری میگذاشتند و به تنفیذ می پرداختند محافل عالی داشتند و  
 باینجه نه مجامع قال و دغدغه الی آخر بیان بالا علی از این قبیل حکایات و بیانات مبارکه

مفضل بود و حضار نهایت تذکر و تنبه یافتند و اظهار ممنونیت و تشکر کردند قلوب با تقدیر  
 در محضر مبارک منجذب بود که حتی از وضع مجلس مبارک و طرز لباس و آداب شرقی و سواد  
 و اسباب چای و بساط ایرانی بی نهایت خوشنود و پراستیا بودند و ذکر می نمودند  
 که در محفل و منزل مبارک مثل نیست که انسان در ایران و وطن خویش است نه خانه اروپا  
 در مجلس پاریس این روحانیت خاصی وارد و لذتی دیگر خلاصه همیشه نفوس علیله در برزم عنایت  
 و عطا تشکر و ممنون بودند و در هر شامی از ششون آشفته و مفتون اول شب مجمع خوبی  
 در منزل میوه و دام اسکات منعقد و نطق مبارک در ضمن حکایت از سفر امریکا در خصوص  
 موازین اربعه و قوه قدسیه منظر مقدسه بود و دلها آشفته و محبت الله و نفسی از  
 مشاهده جمال و کمال و بسبب فضل و عطا دل داده و شیدا و در پاریس و آسین انگونه جامع  
 جای حیرت و تعجب بود و حکایت از قوه خارق العاده امر الله میکرد و بعد از مجلس شب  
 باز دید وزیر مختار ایران تشریف بردند و چون بمنزل مبارک مراجعت نمودند فرمودند  
 به بین خدا ما را بجا آگشایند چگونه آواره صحرا و دریا کرده فی الحقیقه این قول حافظ مناسب  
 حال ماست که گفته صبا ز لطف بگو آن غزال رعنا را که سر کوبه و بیابان تو داده ثنی را  
 روز ۲۰ صفر (۲۸ ژانویه) صبح می فرستد بودند امالی این ملک  
 بسیار روحانیت دورند و خیلی باقیات چسپیده غرق و نیا شده اند بعد در بیرون مجلس  
 فرموده چای خواستند چون سواد و چای در محضر آنور حاضر شد فرمودند چای با حضور  
 سواد لذت دیگر دارد و قبل از صرف چای مسافران و دوستان ایرانی مشرف و ام

تلاوت مناجات صا در قلوب بذكر الله منجذب بعد بیرون تشریف برده قدری  
مشی فرمودند چون مر حجت نمودند از اشغال و سرگرمی اهل پاریس در امور دنیوی نطق و  
بیان مفصل فرمودند که چون کرم همین در قعر زمینند و بیخیز از عالم عظیمین و جمیع حصار را بتوجه  
بملکوت اسی و ملک لایفی و حیات ابدیه و سعادت سرمدیه دلالت کردند که نیست نتیجه  
خلقت و آفرینش و الا این حیات دوروزه را چه ثمری و این خلقت را چه فائده و اثری خواهد  
پس از ختم خطاب و اظهار عنایت با جناب برای گردش باز بیرون تشریف بردند و میفرمودند  
شبها خواب میروم و گاهی تب خفی عارض میشود؛ بعد از حرکت لندن تا آن روز  
حال مبارک بسیار خوب بود و همچنین می فرمودند چون از شهری بشهر دیگر حرکت مسافت  
می نمایم بواسطه تبدیل هوا و تغییر حالت احوال خوب میشود ولی وقتی که در محلی اقامت میشود  
بازکالت و تب عارض می گردد عصر از روز بعضی از پاشاوات با خانهای محترمه عثمانی  
از نصاب و وصایای مبارکه حالت شکر و شوق عظیم حاصل نمودند بدرجهائی که اکثر ایام بشیر فلحا  
مشرف می گشتند و بیشتر احمد پاشا و میر پاشا و کسان آنها منجذب کلمه الله و مفتون طلعت نور  
بودند پس از مرضی ایشان بجهت بعضی از محترمین ایرانی می فرمودند که هر چند استقلال  
ایران را بباد دادند ولی ایران روز بروز در برتری است ناپسند نباید بود زیرا هر کسی  
پنج روزه نوبت اوست هیچ چیز بر کمینوال نماند در هر صورت مستقبل ایران بسیار خوب است؛  
و قبل از خواب آتش بجام گرم در منزل مبارک موجود بود تشریف بردند

روز ۲۱ صفر (۲۶ ژانویه) صبح می فرمودند چون و شب تمام رنم خوابم برد و بزود

بعد اظهارست از وضع مجامع لندن و تأییدات ملوکت ابھی و نشر نفحات الله در ممالک  
 بریطانیا فرمودند که با وجودیکه در این ایام در پاریس صحنم بهتر از او افرایم در لندن بود  
 معذکات سرور قلم در اینجا بیشتر بود بعد جناب میرزا عزیز الله خان در قبا اخبارات تکرانی  
 روزنامه فی دربارہ مملکت عثمانی ترجمہ نموده بعرض اقدس رسانید انگاه فرمودند، از جمع  
 جهات ابواب سد و دست در راه نجات مقطوع مگر بقوه معنویہ و تأییدات غیبیہ اگر نیستند  
 بافق امر توجہ می نمودند مانعی گوئیم مؤمن بشوند بلکه بانذک تمایل انعطاف تأییدات غیبیہ  
 و مدد الہی یابند الی آخر بیانہ الاصلی و چون جمعیت جمع محافل یومیہ متیاشد نطق مبارک در بارہ  
 گرفتاری اہل پاریس با مورادی و تشیع اجبای الہی بر نشر نفحات رحمانی بود پس از آنکہ حصصاً  
 یکت دست داد و مخلص شدند ارادہ گردش نموده فرمودند مسافرن ایرانی باید ہر روز  
 شام و نامار اینجا باشند عصر آنروز وقتیکہ در صالون بیرونی جلوس فرمودہ چای خواستند  
 بقتہ رشید پاشاکہ در ایام انقلاب آخر و سختی مفتشین در عکا و دالی بیروت بود و بسیار  
 مخالف دارد و اجازہ تشریف خواست لهذا ایشان را در اوطاق مبارک حصار و نہایت  
 عنایت فرمودند تا وقت مرضی در ساعت اظہر ہر دم بر خصوصش افزوده میشد و در عظیم وجود  
 بود و بیانات مبارکہ با وحکایات سفر امریکا و مسائل اخری مفصل و جبابی ایرانی از ظہور تأییدات  
 ملوکت ابھی و غلبہ امراتہ بجا مد نصرت و عون جمال مبارک ناطق کہ اکھدنتہ فرودیم و ان گونه  
 نفوس را در محضر مطلع پیمان یزدان قاضی و ساجد دیدیم و امراتہ را غالب و ساثرین را غالب  
 یافتیم شب چون از باز دید رشید پاشا بمنزل مراجعت فرمودند شرحی از فساد و ناقصین

در ایام حکومت او بیان نمودند که اهل نقض و فتور رئیس سابق مدرسه امریکائیان بیروت را  
بفریاد و شور آوردند چندانکه رئیس مذکور گفته بود که ما بمشرق آمدیم برای تربیت مسلمین حال  
عباس افندی را می بینیم که اهل مملکت ما ( امریکائیه را ) بخود دعوت می نماید و بدیانت اسلام  
ولایت میکند، از قضا چون مسلمانان این کلمات رئیس را شنیدند گفتند رئیس تو همین مسلمین نبود  
بهذا رشید پاشا بجهت استرضای خاطر مسلمین بر رئیس مدرسه گفت که شما برای تعلیم در مدرسه آمده  
نه تعرض بدیگران و گفتگویی که سبب بیجانیت است بعد ازین بیان رئیس بکلی سکوت نمود  
بعد تفصیلی از وقایع منازعه بین مسلمین و نصاری و کفایت دوریت رشید پاشا فرمودند و هم بطرح  
فنادن او برای خستندن حضور مبارک که در حیفا آمد با او اعتنائی نشد حتی پسر خود را بجای  
فرستاد هر تدبیری کرد نتیجه نبخشد آخر وقتی که بحیفا آمد با آنکه قلعه بندی بود بواسطه متصرف  
عسکرها بحیفا خواست اشاره کوچکی کرد و دید ابدًا اعتنائی نشد هیچ رشوت و هدیه ای در کار  
تفاوتاً از روز که بحیفا رفته بودیم انگشتر قیمتی متصرف در راه گم شده بود هنگام مراجعت بجای من  
اظهار نمود من با او گفتم هیچ مضطرب مباشید پیدا میشود چون وارد عکاشدیم در دوکان زرگر  
پیاده شده بزرگ سپردم که چنین انگشتری را نزد تو میآورند باید آنرا بسیاری بمن بدهی بعد  
دوباره سوار شده بمتصرف بمنزل رفتم فردا صبح زرگر همان انگشتر را آورد من گرفته چون  
بمتصرف دادم حیران شد و رفت بر رشید پاشا گفت که عباس افندی بجز مولانا علی دارد  
انگشتر من گم شده بود باین آسانی پیدا کرد لهذا شما ابدًا متعرض او نشوید زیرا او میسندند  
و هم می گوید که اگر جمیع عالم جمع شوند و نخواهند مرا قبل از وقت معینی از حبس بیرون آرند

ممکن نیست و چون وقت آزادی رسد اگر ملوک عالم متحد شوند مانع آزادی من نتوانند  
 چون رشید پاشا بمنصرف اعتماد داشت از تعرض و طمع تا چندی منصرف شد حال خان شخص  
 غیوری باین خضوع بیدن مایا بدینتهی  
 روز ۲۲ صفر (۳۰ ژانویه)  
 در مجمع صبح نطق مبارک و در جواب یکی از حضار در خصوص فرق بین نفس و روح و عقل بود که دلها را  
 پر بشارت و فتوح و جانها را همدیگر دستور نمود عصر هنگامیکه در بیرونی جاس و بنظر  
 مبارک مشغول صد در و نزول الواح مبارک بودند و بطایچای در محضر انور گسترده جمعی از ارباب  
 و غیر مشرف شدند یکی از آنها پروفیسر عنایت الله خان هندی بود که خود را معلم و علم موسیقی  
 میدانست لذا بیانات مبارک خطاب با و در خصوص موسیقی منتهی بنوع آسمانی و ندای ملکوت  
 و نفوذ تعالیم حضرت بهاء الله شد بعد از مخصی آنها از جناب میرزا مهدیخان شریک حضرت  
 این که از ایران محض شرف ساعت انور علی تازه آنروز وارد و مشرف شده بود  
 احوال پرسی از جناب ارض اقدس و تبر مصر و قفقاز ورشت و قزوین می فرمود و عرض  
 دوستان شرق از لحاظ مبارک میگذاشت منجمه عریضه حضرت میرزا موسی خان حکیم الهی را  
 با بشارت وجه و اظهار عنایت کبری ملاحظه می نمودند و مکرر احوال پرسی حضرت ابو الفضل  
 حضرت حیدر قیل علی با کمال عنایت و سترت می فرمودند پس از آن جمعی از مشرفیان بعضی  
 از سفارتخانه ایران فوز بقا جتند بعضی از بیانات صادره از رسم اطهر این بود که قبل از  
 تسلط و نفوذ اروپا پاشا حتی سلطان عبدالحمید هشتم که چنین خواهد شد او هم اظهار عنایت  
 نمود ولی بسد فراموش کرد و در بدایت انقلاب ایران با اسم مشروطه مکرر نوشتیم که تادیت

ولت مانند شهد و شیر آمیخته گردد و نجات و فلاح متنع و محالت ایران و ایران گردد و عاقبت منتهی بد فله دول متجاوزه شود الی آخر بیان بالا علی

روز ۲۳ صفر (۳۱ ژانویه) صبح چون در محضر مبارک جناب میرزا عزیز الله خان و رقاء اخبارات لکرانی حسرت را ترجمه نمود فرمودند و قتیکه صدر عظم بقیم رفت و علماء را بغزت و نای وارد طهران نمود جناب ملا علی کبر نوشته بودند که مادام دولت با علماء متحد دیگرانه نبوند چگونه صدقات وارد می کردند حال که باینس درجه آتبار اغت و توقیر نمودند چه خواهند کرد من در جواب نوشتم که از اغت و شوکت آنان در خیال مباشد غمگین این اغت بذلت کبری مبتل شود و ضربت علیهم الذل و المسکنة و باؤ انقباض الله این علماء بدست خود نیشه بر ریشه خویش زنند بخز تون بویتم بایدیم آقایان علماء آخر را دیدند آخر را نه دیدند (مگر آن ایام در باره مشرقیان می فرمودند) چه مالکی را از دست دادند از چه غزنی بچه ذلتی راجع شدند از چه نعمت و مویستی چشم پوشیدند و بچه نعمت و کبری مبتلا گشتند با اکتبت ای دیدیم فی بوم الجزاء بعد از تلاوت و قرائت مناجات بیرون قدری می فرمودند جناب آقای میرزا علی کبر رفسنجانی و آقای میرزا فرج الله کاشانی که مخصوص شرف بقا آن روز از ایران رسیده بودند در مراجعت طلعت پیمان سر بر قدم اطهر نهادند کریمه شوق نمودند و داد دل دادند و مورد فضل و عطا شدند اما نطق مبارک در مجمع عمومی از مسئله تخریب و تقای روح نظر بسلت یکی از حصار بود و بیان وظیفه بهائیان در محبت و معاشرت با جمیع ادیان و خیرخواهی عموم حتی دشمنان بعد از ظهر بعضی از خانهای روسی شرف و از طلوع بر مسائل امریه بی نهایت



مشغوف گردیدند و چون بعضی از شاگردای مدرس شرفیاب شدند و در خصوص زراعت  
 و صنعت و تجارت بیاناتی مفصل از رسم مظهر صادر که برای ایران کارخانه حدادی لارست  
 زیرا اعظم باب زراعت و صنعت کارخانه آهن سازی است در آن میان روزنامه‌هایی از  
 مطبوعات مصر که خطاب به مبارکه در کفیه اسرائیلیان در آن مندرج بود از نظر انور گذشت فرمودند  
 به بنید ما چگونه در کنش بود و نصاری اثبات حقیقت اسلام نمودیم با وجود این مسلمین فرزندان  
 زود چه چیز گفتند که بهائیان دشمن دولت وقت اند چنین و چنانند و حال آنکه اگر ما مدخله  
 در فساد داشتیم چه بهانه و وقتی بهتر ازین بود با اینحال هنوز نفوس در غفلتند و سرگرم اغراض  
 و غرق نخوتند چون دو نفر از رجال ایران در اوطاق مبارک متجاووز از یک ساعت مشرف از  
 استماع کلمات مبارکه و نصائح مشفقانه سان شکر و ثنا گشودند آنگاه در بیرونی جاس نفوس کثیره  
 را بشارت بفیوضات باقیه و عنایات سرمدیه دادند و نطق مبارک در آن محفل عصر از بشارت  
 کتب آسمانی و ظهور اعظم ابھی بود و بیان اینکه همیشه شمس حقیقت از افق مشرق زمین طالع شده  
 و علاوه از شرف عمومی اغلب استدعای تشریف خصوصی نموده بود و جمله مترجم بعضی سؤالات  
 عدیده و اصغارا خطابات مبارکه موفق و منتخومی گشتند شب مجلس دیگر منزل مسیو دامادام در نفوس  
 بارنی منعقد و آن محفل مہفتگی اجاب بود که در هر ہفتہ کیش از جبا و بتدیه با جمعیت در انجامز یاد می شد  
 و در آن بزم وصل و تقاد لها بانوار فضل و عطار دشمن و منور اول در اوطاق دیگر بمسک انور جاس  
 و مستیج تامسیو در نفوس شہری از مسائل امریہ صحبت نموده بعضی از ترجمہ الواح قرأت کرد بعد  
 با جازہ مبارک آقامیرزا علی کبیر زنجانی پیام شوق و اشتیاق جناب شوق را بدستان بجا

ابلاغ و بیان روابط روحانیه و محبت الهیه و اشتیاقات وجدانیه یاران الهی نمودند  
 از نگاه طلعت پیمان شریف فرمای مجمع مشتاقان شده نطقی موثر در رفع تعصبات و ظلمات  
 بیگانگی و سطوع انوار محبت و یگانگی و غیره فرمای بهایمان نسبت به جمع مل و ادیان و شرح تعالیم  
 الهیه و وصایای ربانیه فرمودند و قلوب را مشتعل بنا بر محبت الله و نفوس را منجذب  
 بنفحات الله کردند چنانکه دلوله طالبان و هیله مشتاقان بیشتر از پیشتر گردید و جمعیت میل رفتن  
 داشتند لهذا امر بتلاوت مناجات صادر و جناب میرزا علی اکبر بقراوت کلمات و آیات  
 رب العالمین مشغول و با نهایت جذب و شور آن محفل مبارک ختم شد

روز ۲۴ صفر (اول ماه فوریه ۱۹۱۳) صبحگاه جمعی مشرق بزیارت روی چون ماه  
 فائز از حلاوت مناجات گریه شوق نمودند و از مشاهده عنایت مشرق اسما و صفات لسان  
 حد و ثنا گشودند تا قبل از مجلس جمعی از دوستان و مبتدیان غیب مورد وجود و فضل گشتند و  
 چون شریف فرمای محفل شدند از احتجابات امم در حیان ظهور مطالع فیض قدیم و معانی آیات  
 و کشف اسرار کلمات خطاب و نطقی مفصل فرمودند که پرده اوام و تعالید دریدند و از جمال  
 حقیقت حجاب و نقاب برداشتند نظرها را در منزل سیو و مادام در نفوس باری شریف داشتند  
 از جمله مدعوین در حضور انور حضرت امین الهی جناب آقا میرزا علی اکبر رفسنجانی جناب میرزا احمد  
 سهراب و آقا میرزا مهدی شریک حضرت امین و یغیب مکین بودند و از مهمانان محترم  
 حضرت وزیر مختار و نشی سفارتخانه و آقای نظام سلطنه در بزم حسان جمال پیمان سرور  
 دل و جان جستند پس از ورود مبارک و بیان چند حکایت و اظهار عنایت بهر یک سر میز

تشریف بردند و شرحی از تاریخ نظام الدوله و شدت نفوذ امر او تا وقایع روز موش  
 فرمودند که آخر نامه ما غنی عنی مالیه ملک عنی سلطانیه بر آورد پس از نامه در بیرونی قدری  
 جاس شدند و در تذکر و تهنه نفوس بیاناتی فرموده مراجعت بمنزل مبارک نمودند عصر بعد  
 از ملاقات الواح و مساجات علاوه از نفوس محترمه ایرانی جمعی از اهل پاریس مشرف شدند از جمله  
 یکی از روسای روحانیون بود که چون در خرق توهمات او بیانات مفصله فرمودند بسیار  
 خسته شدند لهذا بعد از مجلس حرکت فرموده ساعتی بیرون ممشی کردند در مرجعت از جناب آقا  
 میرزا علی کسبر احوال پرسی اجبای ایران می فرمودند ایشان هم دلوله و انجذاب عشاق و  
 حال تمیل و تضرع اجبای مشتاق را بسع دلبر میثاق میرسانیدند و از جمله مسلت حضرت نعیم و پیام  
 عبودیت دکتور یونس خان را بعضی مبارک رسانیده از لسان اظهر نهایت عنایت بیان شفقت  
 و مرحمت شنیدند که "در این مدت ولود در غرب بودم ولی همیشه رویم بسوی اجبای شرق  
 بود و تأیید ایشان را از ملوکات اسی مسلت می نمودم اما نظر بهجوم افکار و کثرت شغل و کار مجال  
 مکاتبه و مرسله بانها نبود پس من چهاره باجبای شرق بوده چه آنها چکیده آمدند و هر شبه  
 بواسطه آنها در ایران نکنم تام بسته چگونه ممکن است که آنی فراموشش کردند و از خاطر بردند  
 (و مکرر ذکر حضرت آقا رضای مهاجر شیرازی و عائله ایشان فرمودند که) میخواهم خودم زیارت او  
 بروم و در مقابل آن تربت پاک بناجات پردازم؛ از روز جناب آقا میرزا احمد بهراب را  
 نمیس برای دیدن بعضی از رجال محترمه شرق فرستادند زیرا اکثر نفوس طلیله شرق چون آثار  
 نفوذ امر الله را در ممالک غرب مشاهده نمودند و عظمت و کمال و جلال و جمال طلعت میثاق را شهنه

هر شهر دیدند در عیاب و حضور بر عرض اظهار خلوص و خضوع افتخار و سرور و نور حسبتند  
 روز ۲۵ صفر (۲ فوریه) صبح پیش از آیام دیگر جمعبت اجبا و بتدیها بود و موضوع  
 نطق مبارک مسئله حدوث و قدم که پس از حتام در قلوب چنان مؤثر واقع که بعضی از نفوس که  
 خیال تشریف مخصوص و سوالات از حضور مبارک داشتند ذکر نمودند که این نطق مبارک جواب  
 سوالات ما بود لهذا با نهایت سرور با اظهار عبودیت و خضوع در محضر اطهر موفق و مفتخر آمدند عصر  
 سواره برای دیدن و نوازش طفل فقرا بیرون پاریس تشریف بردند پس از منشی و حسام  
 در بین طفل و اظهار عنایت بیک یک مبلغی در میان آنها تقسیم فرموده غم حرکت نمودند که  
 طفل و حضار با محبت و انجذاب تمام بشکر و ثناب کشوند و صغیر و کبیر تعظیم و تمجید وجه غیر  
 پرداختند از آنجا شب بنزل امده الله مس ماند رسن تشریف فرما شدند اول محل پر شور و دلی  
 سر نیز بود وین ورود مبارک کی از حضار عرض نمود که آیا قلب مبارک در هر یکا سرورتر  
 بود یا اینجا فرمودند در سرور قلب من همه جا با من است انفکاک ندارد و دیگر آنکه اباب  
 سرور من علامه کلمه الله است هر جا شفقیت بشر نفحات الله بیشتر است قلب شادمان تر است  
 و مسئله در امریکا زیاد تر بود (متر بر نارد و خانمش از قلت استعداد خود اظهار اسف  
 نمودند فرمودند) محبت بهاء الله در هر قلبی باشد استعدادی یابد زیرا محبت الهیه نیز  
 روح است تا دام روح در جسد هست استعداد حصول هر امری حاصل میشود امروز از کلیسائی  
 عبوری نمودیم که بر اصول امینه یونان بنا شده بود گفتند این کلیسای مریم مجدلیه است مریم  
 مجدلیه بظاهر چه استعدادی داشت زنی دانی بود زنهای عظیم از او بسیار آمدند که همه عالم

ملک از سلاله طوک بودند یا از شاه پیر عباد و بلاد لکن چون مریم محبت مسیح در پیش بود بحسب مسیح  
 هر استعدادی با داده شده تا آنکه چنین کلیسایی در فرنا با اسم او ساختند پس هر کس نسبت  
 بخدا پیدا کند هر استعدادی میابد لهذا شما گوئید ما استعدادی نداریم مادام محبت  
 بهاء الله در قلب شماست هر استعداد و لیاقتی دارید بعد در خصوص شماست و تقیدات اهل  
 پاریس میفرمودند "در لسان فارسی شعری است که خوردن برای زینت و ذکر کردن است  
 تو متفقد که زینت از بهر خوردن است حال اهل پاریس و اکثر اروپا شما بر آنند که انسان برای  
 کار است نه کار برای انسان انهمی ازین قبیل بیانات مبارکه سر منبر شام می فرمودند و  
 جمعی از دوستان پاریس و جنابای ایران از فیوضات حضور در نهایت وجد و شور بودند تا آنکه  
 از سر منبر بصلوات بزرگی که مجمع عمومی بود شریف برده از لسان مطهر نطقی صادر کرد بدین آن  
 دین بیانات مبارکه بود (هو الله) جمال مبارک در مناجاتی میفرماید که خدا یا هر چه  
 در خواب است و جمیع نفوس در بستر راحت آرمیده اند لکن من بروی خاک خوابیده منظر  
 اطلاق بی پایان توأم حال هم شبهای کارناوال است همه مردم در تیار تا مشغول سیر و  
 تماشا و هر یک بچیزی مشغول یکی نموده خوانست دیگری رقصان یکی مشغول شربت و یکی خورد  
 نام و جلال و منصب جمیع خود را باین حالات آوده اند و غرق عالم طبیعت و غافل از خدا  
 و جهان بالا هستند و محلی که ذکر خداست و چشمها بیدار و قلوب منجذب بفرمانت الله اینجاست  
 جمیع مجامع ناسوتی است ولی الحمد لله این سخن لاهوتی است جمیع محد و در عالم طبیعتند  
 اما الحمد لله شما متوجه بملکوت الهی الی آخر بیان الاصلی

روز ۲ صفر (۳ فوریه) صبح پس از تشریف آجا و خدمت امیرانی و قرائت تلاوت  
 مناجات جوان فرزند نوی سنتی بشره مخصوصاً ظهر مشرف شد با دشمنی از اجابت  
 بود در یوم حضرت مسیح و عدم ادراکشان در معانی علامات مذکوره در تورات میفرمودند  
 و آخر نتیجه می گرفتند که حالاً هم چنین است اگر معانی ایل را نفهمیم مثل بود در یوم ظهور موعود  
 محتجب خواهیم ماند چون جوان باهوشی بود بسیار از بیانات مبارکه متذکر و متنبه شد و در اکثر  
 اوقات در محافل وصل و تقا حاضر و بی نهایت منجذب بود از روز در مجمع عمومی قبل از تشریف فرمائی  
 و نطق مبارک ما و دم رشاد و حساب لامر نطق نمود و بیانش در مسائل امر الله و تذکر قلوب خلی  
 مؤثر گردید و در ساحت انور بسیار مقبول آن بود که ایشان را با بعضی از قبائی که نمیوانند  
 در مجمع عمومی صحبت نمایند که تشویق و تشجیع می فرمودند و امر بقیام و نطق در مجامع و نشر  
 نفحات الله می نمودند و چون تشریف فرمای مخلص شدند نطق مبارک در باره قوه عقلیه  
 و قوه ناطقه بود که این دو اعظم مواهب الهیه است و چون انسان انسان کشاید و مقاصد  
 افکار خود را مطابق تعالیم الهیه و توجه بهیاء الله نماید انبجانات روحانی و الهامات بانی  
 او را احاطه کند عصر بجهت بعضی حکایت از فقرای پاریس می نمودند از جمله می فرمودند  
 که "ویروز بدیدن اطفال فقرا رفیم جای بسیار محقری داشتند ولی چون مرحت میگردیم  
 در بین راه دیدیم مردم دسته دسته از بعضی عمارات بیرون میآیند گفتیم اینها کجا بوده  
 گفتند در تیار در هر گذری عمارتی مفضل برای تعیش و تماشای خود دارند اما فقرار او در چنان  
 حال پر عسرت و ملال گذارند که و آتش بخل عمومی در منزل میوه ما و دم بکات شریف بردند

و آن محل نیز مانند منزل مسبو و مادام در نفوس بارنی مجمع هفتگی اجبا بود مسبو مادام هکات  
 از جنای مخلصین بودند و مورد عنایات جمال مبین صحبت آن مجلس زیاد و بندی بسیار بود  
 و نطق مبارک در تاریخ و تعالیم ظهور بدیع مفضل در ختم مجلس جناب میرزا علی کسبر فرستجانی صاحب  
 بلاوت و قرأت ساجات مشغول و حضار در نهایت جذب و شور و وجد و سرور بودند  
 چون کسب انبام بدیدن بعضی از اعیان و شه زادگان در رمضان و سایر منازل شان شریف  
 می بردند و آنروز مجالند داشتند لذا بعضی از خندان حضور را مخصوص احوال پرسی فرستادند  
 و از شه زادگان عظامی که خلی منظور نظر عنایت بودند.....  
 و از رشت و تبریز..... و نفوس حلیله دیگر که بعد  
 بفوز لقا مشرف شدند هم بعضی نگاشته خواهد آمد.

روز ۲۷ صفر ۴۴ فوریه) صبح مجمع عمومی در بیت مبارک با نهایت عظمت هتیا و قلوب از  
 انجذابت روحانیه در رهله و بنا رحمت الله پر جوش و دله و در پاریس اتفاقا چنان  
 محافل ذکر و تقدیس عظیم دین نفوذ کلمه الله بود و نطق مبارک آنروز در خصوص صلح عمومی و وحدت  
 عالم انسانی و ترویج ائت و ایلاف و قطع و قمع ریشه تعصب و عنان و شرح تعالیم جمال قدم  
 و اتحاد و یگانگی مهم عالم بعد از مجلس جمعی شش قیام را بجهت نا امان نگاه داشتند و سرسبز با نهایت  
 عنایت و تبسم و مزاج چنان با جمیع معالجه می فرمودند که هر بنده گفتمی خدای من است از دوستان  
 کسانی که شب و روز در محضر اظهر بودند جناب ریاض سلیم افندی و حضرت و کتور صالح افندی بودند  
 و عصر پس از تشریف جمعی دیگر چون بجهت راه رفتن بیرون تشریف بردند اول منزل مس ساذرین

تشریف فرما شده ایشان سفارش فرمودند که "بعضی از بته‌بهارا که قوه نطق و بیانی ندارند از قبل من تجسین و تشویق نما و بگو توجه بملکوت ابی نمائید و در مجامع بشر نفحات الهیه پردازید و بعد از آنجا حرکت فرمودند بطرف بودا بولون مشی می نمودند و از جمله بیاناتی که بمن راه می فرمودند این بود که هر قوه و استعدادی که در امر الهیه صرف میشود اثرش باقی میماند و نتایج باقیمه می بخشد و الا کان لم یکن شیئا مذکور اگر در (و همچنین میفرمودند) نفوسیکه قوه ناطقه دارند اگر این قوه در آنها با تقدیس و انجذاب توأم شود اثرات عظیمه از آنها ظاهر شود و بخدمات فائده در آستان الهیه موفق گردند"

روز ۲۸ صفر (۵ فوریه)

صبح نطق مبارک در محفل عمومی در خصوص سر بیان روح در جمیع اشیاء بر حسب استعداد موجود است بود و صحبت آن محفل از هر قوم و قبیله و مملکتی مرکب نفوس انگلیزی و فرانسوی و امریکائی و ایرانی همه منجذب گفتار و سخن در ششون و آثار نافذه عهد پروردگار بودند که چگونه نفوس مختلفه و فرق تمایز را با نهایت جذب و شور در ظل کلمه واحده مشغول نموده عصری جناب دکتر محمد خان با در رکاب مبارک بوده‌اشته باز دید و احوال پرسی نفوس حلیله فی از اهل شرق تشریف بردند در مراجعت با آنکه بیکل اقدس بی نهایت خسته بودند باز چون جمعی از اشخاص محترمه در محضر اطهر مشرف شدند از حکایات و تواریخ و بیانات مزاج آمیز گفتگو و صحبت می فرمودند و از گفتگوی مبارک سر با پر شور و دلها غریق بجز وجد و سرور بودنی الحقیقه آن کیفیت تخریبیاید و محض حکایت بدون مشاهده آن حالت ادراک نشود زیرا هر بیان و مطلبی آن ندای حلیله و درخشندگی و گردش چشم شهلا و اشاره دست و چشم جانفزا و ملاحظه اقتضای وقت در مکان و مناسبت



ورعایت مشرب و فهم حاضران و حل مشکلات مل و ادیان و تأثیر و انجذاب قلوب تعظیم و خضوع  
نفوس در آنوقت حالت و کیفیت دیگر داشت

روز ۲۹ صفر (۶ فوریه)

صبح دوستان و خدام ایرانی در محفل طلعت عهد ربانی باستماع مناجات و توجیه مطلع فیض  
رب انبیاء فائز و مفتخر و بعد چای صرف نموده هر یک مورد رعایت مخصوصه گردیدند  
و باین موهبت و عنایت هر روز حیات تازه و بخت و سرت بی اندازه می جستند و چون آمدند  
اجاد مبتدیه شروع شد یک یک دو دو و در جای تشریف خصوصی نموده با ترجم در اوطاق مبارک  
حضاری شدند و باستماع بیانات مبارکه در جواب سوالات عدیده خود سرور روحانی شوق  
و ذوق و جسدانی حاصل می نمودند تا آنکه بجمع عمومی تشریف فرما شده نطق و خطابی در تجدد  
کائنات و ترقی علوم و صنایع و تبدیل افکار فرمودند که این عصر دیگر است و اقتضای آن  
اقتضای دیگر احکام عصر سابق این قرن عظیم را کفایت نکند پس قوانین روحانیه یعنی فروعات  
دینی را تجدید لازم و مسائل الهیه را استجد و واجب است باین نطق و بیان چون با اطلاق  
مبارک تشریف بُرودند باز بعضی از مبتدیه استماعی تشریف خصوصی نموده هر یک بنظر  
عنایت و لحاظ کمرستی منظور و ملحوظ می شدند و بدل و جان از لطافت مبارکه ممنون و مشغوف  
طلوبی کشید تا همه مرتضی شدند از نگاه وجود اقدس سپید و نفوس را حضار فرموده در توبیل  
ایشان بورسای تشریف بُرودند تا اول شب وقتی که با پرسس مراجعت فرمودند یکی از اهلای هند  
پروفیسر عنایت الله خان نام داشت و چند مرتبه بشرف حضور مشرف شده رجعا نموده بود که  
شبی در محضر مبارک طلاعات موسیقی خود را اظهار و عرضه دارد ساعتی بخواندن و خوانش مشغول

و بعد لسان مبارک بیان تاریخ و شرح حال مشاهیر و اساتذۀ فن موسیقی اطلق و بعضی از حکایات  
 فارسی و اشعار و وکی فرمودند تا آنکه بیان مبارک بالجان روحانی و نعمات آسمانی که نسبت  
 وجدانی و سرور و جوار بدست منتهی شد

روز اول ماه ربیع الاول  
 ۱۳۲۱ (۷ فوریه) صبح نطق مبارک بناست ذکر پر فرزند کور و مخصوص آهنگ ملاء اعلی  
 و استماع نداء الله و استفاضه از فیوضات شمس بقا بود که نسبت سبب سرور الهی و تبحر حیات  
 انسانی عسر و وقتی که جمعی از عیان و اعزّه ایرنجان در محضر انور مشرف بودند آقا میرزا حسین  
 عارف وارد و پس از تعظیم اشعاری را که در اوصاف و نعوت طلعت در بیان انشا فرموده بود  
 با نهایت ادب و خضوع ایستاده خواند ولی بجز از قبول مزین نشد و فرمودند من عبودیت آستان  
 الهی را طالبم و بس با وجود این اشعار را بعضی از دوستان گرفته حتی بحجت مدیریم با خبر بشکافون  
 فرستادند و چون چند بیت از آن ابیات را کرر خواند و نظهار عقیدت نمود فرمودند یا وقافیه  
 ابیات یا نسبت باید باشد نه وحدت و آن چند بیت که با وجود منع مبارک کرر می خواند  
 این بود در ظلمتیم و نور و بهائی به از تو نیست - سوگند بر بهاک بهائی به از تو نیست - هر کس ببندگی  
 خداوند پای بند - این بنده را یقین که خدائی به از تو نیست - میدید اگر کلیم رخت را بکوه طوره  
 میگفت جذا که نقائی به از تو نیست - کره سیاه مریض را رو پاست مرگ او - این درد را  
 طبیب و دوائی به از تو نیست - ازین قبیل در هر ملکتهی قصائد و نعوت بسیار غیر از بهائیان  
 انشا و کرر بحضور انور تقدیم می نمودند و اکثر مقبول نمیشد و منع از نشر و انتشار آنها میفرمودند  
 چنانچه وقتی در رمله اسکندریه یکی از نصحای مصر مشرف و قصیده قرأت و تقدیم کرد که اجبا

بسیار بهتر از و شور آمدند و چون آن قصیده را از حضور مبارک خوانند بجهت استنساخ  
 بگیرند عنایت نمودند بلکه فرمودند این اشعار را این شخص از روی خلوص نیت گفته و اما  
 محامد و نعوتی را هم که از روی خلوص حباب و غبار عرض نمودند چون غلب منافی با مشرب  
 مبارک و مغایر با عبودیت صرفه آستان احدیت بود محو میفرمودند خلاصه صورت  
 آن مجلس دلالت بر عظمت سلطان پیمان میکرد و هر نفسی در هر رتبه و مقامی که داشت شکر گوشتنا  
 بود و از جمله بیانات مبارکه در خصوص ایران این بود که "شخص عامل و قوه فاعله لازمست  
 و امروز تایید و مدد الهی واجب و الا قول و گفتگو بسیار و شور و آشوب سهل و آسان است  
 عصر شخصی از علم حقوق مذاکره فی بیان آورد فرمودند علم حقوق قدیم است مادام خدا بود  
 خلق بود مادام خلق بوده علم حقوق هم بوده نهایت ظهور حکام و اجرای آن محدود و محدود زمان  
 بوده حتی صنایع قدیم بوده آثار قدیمه شهر نینوا که مؤرخین اروپا انکار آن می نمودند در  
 حدود موصل پیدا شد که دلالت بر صنایع و ترقیات آن عصر منبسط بود (و بیان مبارک غنهی  
 باشکالات علم حقوق شد که) با وجود آنکه بشر حق انتظام ندارد مکافات و مجازات را باید  
 مجری نمود زیرا خیمه نظم عالم بدو استون قائم و برپا مجازات و مکافات استی در آن من  
 میبود ریوس انوبیل بجهت سواری و سیر مبارک فرستاده بود چون بعرض مبارک رسید  
 فرمودند امروز نوبت گردش شماست من فرصت ندارم لهذا خدام آستان حسب الامر  
 محض اطاعت قبول زحمت نموده سیر گردش شما را نکرده و پس از عبور و تماشاهای مناظر  
 باصفا باز چاکرانه برد آمدند و سر بر آستان عنایت سووند و آن شب منزل سوید ریوس

در خصوص حیات روحانی و طلوع شمس بهیا و تحلل بلایای لایحسی و نفوذ امرالله نطق مفضل

فرمودند که حتی اعدا در این ظهور عظمی شهادت بر عظمت امرالله داده اند

روز ۲ ربیع الاول (۸ فوریه) در محفل صبح نطق مبارک در خصوص وسطه

بین خلق و خالق بود و حصول معرفت مطلع امرالله در هر عصر و زمان و بعد از مجلس بصدور

ابواب مبارکه در جواب عرائض مهمه اجاباوقات مبارک گذشت و در بین نزول آیات باز

نفوس عدیده وارد و از فیوضات باقیه سرور و جور تازه می یافتند مگر رمی نسو بودند

که مکاتیب اجبای شرق جمیع بی جواب مانده و ابداً مجال جواب نه سابق گاهی شهباز بنویم

چیز مینویشم حال از اہم نمیتوانم " و عصر از جمله نفوسی که با کمال انجذاب و ولولہ در محضر حاضر شرف

شدند و ہنسد حرامتوجه و ناظر نور روی طلعت نورا، جمعی از جنابای آلمان بودند کہ عرائض

از دوستان استتکارت در خصوص دعوت نشہ یف فراموشی مبارک بان حدود داشتند

و بجهت سفر مبارک با نصحفات بقراری می نمودند و بسیار مورد عنایت شدند و مقبول آستان

جو دو کرمت گشتند مخصوص متر برنگل کہ از دوستان خوش نطق و بیان آلمان بود و مس

نوبلاک اذل مبلغہ امریکائی کہ سب الامر اقدس علی بستمکارت بجهت نشہ نفعات الله

با وکتور فشر رفته بود و دیگران روز جنابای ایرانی رجاء نموده صفحہ عکسی در حضور مبارک برداشتند

کہ در حالت قیام بکمل اقدس و اجبا و بندگان آستان مقدس انعکس مبارک در کمال سرور و مرت

در زیر برج ایل گرفته شد و قبل و بعد از گرفتن عکس از منشی و شاید خرام بکمل بمیشال با کمال عظمت

و جلال نہایت شوق داشتند و بسیار ذوق مینمودند





روز سوم بربع الاول (۹ فوریه) صبح در حالتی که چای تناول می نمودند و از درصالح  
 منظر مقابل را ملاحظه می کردند می فرمودند چنانچه طیور و وحوش از صبح بفرودانه و طعمه اند  
 همین طور این مردم متصل در خیال بسیار معیشتند چه قدر سرگردمند چه امیدها و چه شسرها دارند  
 علی الخصوص در این ممالک که بی نهایت معمور است فی الحقیقه مثل خانه زنبور است جمیع غرق  
 ماویاتند و عتق فرق ما بین این نفوس الهامی و اسطافریقا نیست که اینها حیوان متفکرند و اینها  
 حیوان متوحش جمیع از نشانات روح القدس بی بهره اند و از حیات ابدیه بی نصیب و غافل  
 چون محفل بومیته منعقد شد نطق مبارک در محفل از اثبات واجب الوجود و شرح خلقت عنصری  
 و ترکیب تصادفی و ترکیب لزومی و ارادی بود که بسیار نفوس از شنیدن نطق و بیان مبارک  
 فهارقناعت و اطمینان نمودند و بنهایت وجد و شور آمدند و شکر عنایات مبارک کردند از نو  
 بعضی از ایرانیهای را که متوقع اعانت و حسان بودند در اوطاق مبارک حضور فرمودند  
 بهر یک وجهی عنایت فرمودند و عصر از جمله نفوسیکه از الهامی اروپا در ساعت اقدس علی  
 مشرف شدند عیال و دختران جبران افندی مرحوم بودند اول بیانات مبارک بانها شرحی  
 در خصوص نقل جسد جبران افندی مذکور و حکایت تعمیر مقبره ایشان در ایام اقامت مبارک  
 در مصر بود بعد بسیار اظهار عنایت فرمودند که "جبران مرحوم در امر الله مؤمن خالص بود و یک  
 رساله استدلالیه در اثبات امر الله نوشت همیشه دارم شما شاخ و برگ بنزد خرم آن  
 شجره طیبه شوید و انمارا بدار مبارک آرید در عکاشی ضیافت عمومی بود و نفوس کثیره از جنای  
 هر جا حاضر بودند و مانده ممتد از دوستان صفهان و شیراز و تبریز و پاریس و لندن و هر یک



و مصر و سوریه و هند جمع کثیری همه از اقوام مختلفه سر نیز نشسته بودند در کمال روح و بیان و  
 یگانگی و و دادنی الحقیقه نور محبت از وجوهشان ساطع و لامع بود و بعضی از جناب خدمت قائم  
 از جمله مرحوم حبران افندی با نهایت خلوص و صدق و صفا خدمت با تجامی نمود من آن محبت  
 و خضوع را فراموش نمیکنم دیگر از حکمتهای بالغه الهیه است که حبران میر و خیرته (برادرش)  
 میماند انهی در آن من جناب وزیر مختار ایران وارد لهذا ایشان را با دطاق مبارک حضناً  
 فرموده مدتی مشغول صحبت بودند و چون عیال و اطفال حبران مرحوم اجازه و مرخصی خواستند  
 وجه قابلی آنها احسان و بسیار دلجوئی فرمودند اول شب بجهت مشی بیرون تشریف برده  
 بعد از مراجعت می فرمودند امشب رفتیم بیرون راه بردیم اتفاقاً بعضی کوچه های روشن  
 پاریس را که سابق ندیده بودیم دیدیم بعد سواره کردش و مراجعت نمودیم کرایه اتومبیل  
 اینجا خیلی کمتر از امریکاست ۱۱  
 روز ۳ بیج الاول (۱۰ فوریه)

صبح پس از او را و اذکار و صرف چای جناب قافرج الله کاشانی را در حضور مبارک  
 خواسته بیرون تشریف بروند و بسیار اظهار عنایت بنادم کاشانی خود فرمودند بعد از  
 مراجعت شکایت از بخوابی شب می فرمودند و اظهار خشگی می کردند با وجود آن حالت  
 در جمیع نطقی مشروح در خصوص قوه ما به الامتياز و ما به اشتراك عالم انسانی نسبت بعالم حیوانی  
 و احتیاج بقوه قدسیه الهی و روابط روحانی و انجذابات روحانی فرموده نفوس را بقوه  
 معنویه و روحانیت صرفه و کمالات باقیه مذکور و انبیاه بخشیدند پس از آن امر و قلیل سهرامی  
 یکی از وقایع نگاران حسنه با بعضی از نفوس محترمه بشارت فایز و از جمله بیانات مبارک



با آنها این بود که " بنا پارت در عالم ملکوتی از نفوس غلیظه بود ولی فتوحاتش  
 محدود بود و همتی شد و نتایجش منقود لکن نفوسیکه ندا بملکوت الهی میکنند فیوضاتشان بدست  
 و سلطنتشان سردی ملاحظه کنید که سلطنت ملوک عالم همتی شد اما سلطنت حواریان باقی  
 و دائم و غیر محدود است زیرا آنچه تعلق با مرادش دارد و هر خدمتی که منسوب است آن  
 اخصیت محدود بدست پس انسان عاقل را سر او این است که ندا بملکوت الهی  
 نماید حیات ابدیه نبخشند نیست سلطنت باقیه و قوه بایره که بحسب الله حصول ابدیه داریم  
 ازین ملاقات صحبت نتایج حسنه حاصل شود مانند ملاقات زمین پاک و باران بهاری  
 باشد و همچو نسیم سحر و بهتر از دنگو و گلهای معطر گردد و همتی و شب مخفی آراسته و در منزل  
 مسیو مادام در نفوس باری بود پس از تلاوت مناجات و نطق مسیو در نفوس و مادام رشاد  
 و بیان مسائل امریه چون بیل ثابق شریف فرمای جمع عشاق گشته خطابیه و مخصوص طلب  
 انتظار اعم عالم قبل از ظهور مطالع فیض قدم مشر و خا ادا فرمودند که با وجود انتظار بعضی از عوین  
 بودند که انکار و استکبار کردند و جمعی از مختارین شدند که هیچ جانبی محتجب گشتند و حال  
 الحقیقه که شمانه تنها از مدعوین بودید بلکه از مختارین و بعد از خطابیه مبارکه همه باوجه  
 مستبشره و خضوع صمیمی و محبت تامه حضور نور آمده دست میدادند و ادا و شکر و ثنای نمودند  
 روزه بیج الاول در فوریه قبل از محفل عمومی چون بعضی بشرف تقا  
 مشرف شدند و بکالمه و مذاکره باطلعت محبوب منقخر بعضی از بیانات مبارکه با ایشان این  
 بود که دیده عبرت باید اگر انسان چشم عبرت باز نماید چه فائده دارد هر روز در کوه